

۲میلیارد دلار برای دلالاتان دارو در صف ارز

بانک مرکزی ۲میلیارد دلار از ذخایر ارزی خود را صرف جیب پولدارها و دلالاتان می‌کند اما برای صنعت دارو که در بحران به سر می‌برد، بهانه کمبود ارز می‌آورد!



روزهای اخیر ۲ میلیارد دلار برای عرضه اسکناس در بازار ارز را شروع کرده که سود آن صرفا به جیب پولدارها می‌رود.

این صنعت از کاهش منابع ارزی و خطر کمبود دارو سخن گفته‌اند، بانک مرکزی دولت پزشکيان در اقدامی عجیب در

در حالی که صنعت دارو طی ماه‌های اخیر بارها نسبت به تأخیر در تخصیص و انتقال ارز هشدار داده و فعالان

«دکتر محسن زنگنه»، اقتصاددان و نماینده مجلس در گفت‌وگو با چارسوق:

بانک مرکزی هیچ نگرانی از افزایش نرخ ارز ندارد



- دولت پزشکيان هیچ قصدی برای مقابله با تورم و گرانی ندارد و پزشکيان گرانی روزانه همه چیز را پذیرفته است
- بانک مرکزی روسیه با وجود جنگ و تحریم توانسته ارزش پول ملی این کشور را افزایش دهد
- درآمدهای ارزی دولت نسبت به پارسال بیشتر شده است
- انداختن تقصیر گرانی ارز به گردن کاهش درآمدهای ارزی دولت، دروغی بیش نیست
- دولت پزشکيان در ۴ ماه به اندازه ۸۵ درصد کل سال درآمد نفتی داشته است
- میزان تحقق درآمدهای مالیاتی دولت نسبت به پارسال افزایش یافته است
- تمام مرزهای زمینی کشور را برای بی اثر کردن محاصره دریایی فعال کرده‌ایم
- مراودات تجاری با افغانستان نسبت به پارسال ۳ برابر شده است
- دولت پزشکيان تورم بالا را پذیرفته است
- دولت چهاردهم به بی عملی در اقتصاد رسیده است
- دولت پزشکيان هیچ کاری برای مهار تورم و حفظ ارزش پولی ملی نمی‌کند
- عملکرد عبدالناصر همتی و مدیران او در بانک مرکزی افتضاح است
- دولت به جای ناله کردن کمی هم کار کند

انتقاد آیت‌الله جوادی آملی از گران‌سازی ارز



حضرت آیت‌الله جوادی آملی با تأکید بر عدالت قضایی و مقابله با مفساد اقتصادی، بر ضرورت کنار گذاشتن گران‌سازی عمدی تصریح کرده و اجرای حکم عادلانه را بیش از باران چهل‌روزه برای کشور نافع دانست.

آیت‌الله جوادی آملی صبح یکشنبه، ۱۲ مهر ۱۴۰۵، در درس خارج فقه، با انتقاد از گران‌سازی عمدی، برکات حکمرانی عادلانه را یادآور شد. آیت‌الله جوادی آملی در بخشی از درس خارج فقه خود با اشاره به روایتی در خصوص آثار عدالت در جامعه اظهار داشت: مطلب دیگر این است که گاهی از مواردی بینیم که باران نمی‌آید خدا که ارحم الراحمین است و لطفش فراوان است. گاهی نماز می‌خوانیم که ان‌شاء‌الله باران بیاید، گاهی احتیاج به نماز ندارد، فرمود اگر رهبران شما عادل باشند، محکمه قضایی شما عادل باشد، زیرمیزی و رومیزی و اینها نباشد، اگر یک قاضی بدون چشمداشت به رشاء و امثال رشاء حکم الهی را خوب بفهمد و خوب اجرا کند بیش از باران چهل روز برای مملکت نافع است. این یعنی چه؟ این حرف‌ها بوسیدنی نیست؟! ایشان با تأکید بر لزوم حکمرانی عادلانه برای جلب رحمت الهی تصریح کرد: یک وقت است که ما نماز باران می‌خوانیم، ناله می‌کنیم فحشه می‌زنیم یک بارانی بیاید. یک وقت فرمود فحشه لازم نیست، عدل دستگاه قضا کافی است. شما رومیزی و زیرمیزی و اینها را بردارید، عدل را جاری کنید، آن روابط اختلاس و دیش را کنار بگذارید، این بازی‌های گران کردن عمدی را کنار بگذارید، این معاملات ارزی عمدی را کنار بگذارید، شما کارهای عادلانه را انجام بدهید، حکم عادلانه انجام بدهید، این بیش از باران چهل روزه برای شما نافع است، فرمود من این کار را می‌کنم. آیت‌الله جوادی آملی با تأکید بر متعالی بودن احکام اسلام افزود: چرا ما این روایات را می‌بوسیم؟ این در و دیوار را می‌بوسیم؟ این حرف‌ها هیچ جای پدانی نمی‌شود؟ کل مردم کره زمین می‌گویند او کار خوبی کرد، اما این، چه ارتباطی با کار آسمانی دارد؟ اما آنکه آسمان را ساخت و زمین را ساخت، می‌گوید اگر محکمه قضایی شما محکمه عدل باشد من بارانی می‌فرستم یا کاری می‌کنم که این بیش از باران چهل روز اثر داشته باشد.

رد پای یک شرکت معدنی در ساخت و ساز ۱۶۸ واحدی



تا سال ۱۴۰۳ در یک پروژه ۱۶۸ واحدی در نیاپش تهران سرمایه‌گذاری کرده است. این سرمایه‌گذاری در حالی صورت می‌گیرد که در اساسنامه شرکت، موضوع فعالیت شرکت، ارائه خدمات طراحی و مهندسی و تکنولوژی تولید قطعات یدکی و تجهیزات خطوط تولید و واحدهای صنعتی و معدنی (بالاخص معدن و صنعت مس) ذکر شده است. قابل ذکر است سرمایه‌گذاری این شرکت زیرمجموعه صندوق بازنشستگی شرکت ملی صنایع مس در پروژه ۱۶۸ واحدی خیابان نیاپش در حالی است که براساس اطلاعات صورت مالی، مرکز اصلی شرکت در استان کرمان قرار دارد.

براساس اطلاعات صورت مالی شرکت خدمات فنی و مهندسی صنایع و معادن کانی مس، این شرکت زیرمجموعه صندوق بازنشستگی شرکت ملی صنایع مس،

وزیر جهاد کشاورزی دولت چهاردهم مدعی شد کالاهای اساسی گران نشده است

افزایش قیمت‌ها در دوره وزارت آقای نوری قزلبچه عزیز

مواد غذایی	درصد گرانی
روغن نباتی جامد	۶۲۰
روغن مایع	۵۴۱
برنج خارجی درجه یک	۳۹۳
تخم مرغ	۳۷۱
لوبیا چیتی	۳۶۱
برنج ایرانی درجه یک	۳۴۱
سیب زمینی	۳۳۳
پنیر	۳۲۳
چای	۳۱۳
شیر پاستوریزه	۲۹۵
ماست پاستوریزه	۲۸۸
لپه	۲۸۰
دوغ پاستوریزه	۲۶۵
مرغ	۲۶۱
لوبیا قرمز	۲۵۵
خامه پاستوریزه	۲۵۳
گوشت قرمز	۲۱۲
شیر خشک	۲۱۰

قربان! پشت سرتون رو نگاه کنید، حتما گرونی رو هم می‌بینید

امروز از این فروشگاه بازدید کردم و گرانی ندیدم

الفبای وفای



برق اروپایی‌ها با انسداد تنگه هرمز به کالای لوکس تبدیل شد

✚ بازار انرژی اروپا در آستانه زمستان ۲۰۲۶ با موج تازه‌ای از فشار قیمتی و نگرانی درباره امنیت عرضه روبه‌رو شده است؛ کاهش ذخایر گاز، جهش قیمت برق و گاز و اختلال در عرضه خاورمیانه، این قاره را بار دیگر به سمت سوخت‌های فسیلی و افزایش هزینه انرژی سوق داده است. اروپا در حالی وارد فصل سرما می‌شود که بازارهای انرژی این قاره، شدیدترین هشدار خود از زمان بحران ۲۰۲۲ تاکنون را مخابره می‌کنند. بسته شدن تنگه هرمز در پی جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، زنجیره‌ای از بحران‌ها را در قلب اروپا به راه انداخته که از جهش بی‌سابقه قیمت گاز و برق آغاز شده و به بازگشت اجباری به زغال‌سنگ، خالی‌ترین ذخایر گازی در یک دهه اخیر و فقر انرژی برای میلیون‌ها اروپایی رسیده است. اروپایی‌ها که سال‌ها سیاست‌های اقلیمی خود را به رخ جهان می‌کشیدند، اکنون ناچار شده‌اند برای گرم ماندن، به آل آینده‌ترین سوخت فسیلی یعنی زغال‌سنگ پناه ببرند؛ چرخشی که خود اعتراف تلخی به شکست سیاست‌های انرژی سبز این قاره محسوب می‌شود.

جهش ۶۰ درصدی قیمت برق؛ اعداد بحران را فریاد می‌زنند

بر اساس گزارش بلومبرگ، قیمت عمده‌فروشی برق در آلمان برای تحویل ژانویه ۲۰۲۷ در بورس انرژی اروپا به بالای ۱۸۰ یورو به ازای هر مگاوات ساعت رسیده که نسبت به سال گذشته بیش از ۶۰ درصد افزایش یافته است. گزارش سالانه یوریلکتریک فدراسیون صنعت برق اروپا نشان می‌دهد قیمت عمده‌فروشی برق در اتحادیه اروپا بین فوریه و اوت ۲۰۲۶ معادل ۲۲٫۸ درصد افزایش یافته، در حالی که قیمت گاز در همین دوره ۸۸٫۴ درصد جهش کرده است.

داده‌های اس‌اندپی گلوبال نیز نشان می‌دهد قیمت برق ایتالیا در سه‌ماهه چهارم از مرز ۲۰۰ یورو عبور کرده و قیمت‌های گاز و برق اروپا به بالاترین سطح از سال ۲۰۲۲ رسیده است. اولف ایک، مدیر ارشد سرمایه‌گذاری صندوق نورتلندر کومودیتی ادوایزرز نیز هشدار داده که اگر زمستان سرد باشد و محدودیت عرضه خاورمیانه ادامه یابد، قیمت عمده‌فروشی برق تا ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت.

تنگه هرمز؛ بعب ساعتی انرژی که اروپا را فیل کرد

رویتزر در گزارشی از بروکسل تأیید کرده که بسته شدن مؤثر تنگه هرمز، عرضه انرژی جهانی را به شدت تحت تأثیر قرار داده و اتحادیه اروپا هشدار داده که در صورت ادامه جنگ ایران، بازارهای انرژی با «شوگ عرضه طولانی مدت» روبه‌رو خواهند شد.

موسسه تحقیقاتی انگلیسی چتم هاس در تحلیلی تصریح کرده که حتی اگر تنگه هرمز در آینده نزدیک بازگشایی شود، جریان ترافیک کمتر خواهد بود و حق بیمه‌های کشتیرانی بالا باقی خواهد ماند. تاسیسات تولید قطر انرژی اسپید دیده و حدود ۱۷ درصد از ظرفیت تولید گاز طبیعی مایع قطر برای مدتی بین سه تا پنج سال از بین رفته است. اگرچه اروپا تنها حدود ۱۰ درصد از گاز طبیعی مایع خود را از خلیج فارس وارد می‌کند اما محدودیت عرضه جهانی، قیمت‌های انرژی این قاره را به شدت بالا برده است. چتم هاس برآورد کرده که اتحادیه اروپا از زمان آغاز جنگ تاکنون حدود ۲۴ میلیارد یورو اضافه‌بهای واردات سوخت فسیلی پرداخت کرده است.

ذخایر گازی، خالی‌ترین مخازن در یک دهه اخیر

شرکت آمریکایی خدمات مالی مونیتینگ استار برآورد کرده که سطح ذخایر گاز اتحادیه اروپا تا اول نوامبر به ۶۹ درصد برسد که پایین‌ترین سطح از بحران انرژی ۲۰۲۱-۲۰۲۲ خواهد بود. بر اساس داده‌های زیرساخت گاز اروپا، سطح پرشدگی مخازن گاز اتحادیه اروپا تا پایان سپتامبر ۲۰۲۶ تنها به ۷۱٫۵ درصد رسیده و حدود ۱۵٫۵۳ واحد در صد پائین‌تر از میانگین پنج‌ساله و پایین‌ترین سطح از زمان آغاز ثبت رکورد‌ها در سال ۲۰۱۱ است. رویتزر نیز گزارش داده که اروپا برای پر کردن مخازن خود تا سطح ۷۳ درصد به حدود ۵٫۱ میلیارد متر مکعب گاز معادل ۵۳ محموله گاز طبیعی نیاز مایع دارد. **بازگشت اجباری به زغال‌سنگ؛ عقب‌نشینی از سیاست‌های اقلیمی** داده‌های موسسه بین‌المللی آرمادهنده اطلاعات آ‌سی‌ای اس نشان می‌دهد برای نخستین بار از سال ۲۰۲۴، بهره‌برداری از نیروگاه‌های زغال‌سنگ ولینگتند در اروپا به‌طور میانگین از نیروگاه‌های گازی سودآورتر شده است. تحلیلگران به رویتزر گفته‌اند تولید برق از زغال‌سنگ در شش ماه آینده حدود ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت تا کاهش مشابه در تولید برق گازی را جبران کند. فلوریان پونکه، تحلیلگر آ‌سی‌ای اس نیز می‌گوید: «حتی اگر قیمت گاز به ۱۰۰ یورو برسد، صنعت برق توان واکنش بیشتری نخواهد داشت.» مارتا رونیوشفسکا، تحلیل‌گرفت نیز پیش‌بینی می‌کند زغال‌سنگ تا مارس ۲۰۲۸ برای تولید برق از آن‌را تا گاز باقی بماند.

انرژی‌های تجدیدپذیر؛ سیر ناگانی در زمستان

بر اساس داده‌های یوروستات، در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۶ حدود ۵۴٫۱ درصد از برق تولیدی اتحادیه اروپا از منابع تجدیدپذیر تأمین شده است. تحلیل بارینگ‌ها به سفارش بلومبرگ نیز نشان می‌دهد بدون افزوده‌شدن ظرفیت خورشیدی از سال ۲۰۲۱، میانگین قیمت عمده‌فروشی برق اروپا در تابستان ۲۰۲۶ حدود ۳۰ درصد بالاتر بود. با این حال، تأثیر خورشیدی در زمستان به‌شدت کاهش می‌یابد.

فلورنس اشمیت، استراتژیست ارشد انرژی در رابونیک تأکید می‌کند: «بخش انرژی تجدیدپذیر پذیرش کرده اما به‌قدری قوی نبوده که این اتکال عظیم به گاز را جبران کند.» پدیده دوره‌های طولانی هوای آرام و کم‌تابش که اغلب با موج‌های سرما هم‌زمان می‌شود، به عنوان یک تهدید جدی برای امنیت عرضه برق در زمستان شناخته می‌شود.

دان یورگنسن، کمیسر انرژی و مسکن اتحادیه اروپا اعلام کرده که نزدیک به یک نر از هر ۱۰ شهروند اروپایی توان کافی برای گرم کردن مناسب خانه خود را ندارد و بیش از ۳۰ میلیون اروپایی در پرداخت به‌موقع قبوض انرژی خود با مشکل روبه‌رو هستند. بر اساس داده‌های یوروستات، فقر انرژی در اروپا اکنون بیش از ۴۶ میلیون نفر را تحت تأثیر قرار داده است. نظرسنجی سالانه ایپسوس نشان می‌دهد حدود ۲۹ درصد اروپایی‌ها خود را در وضعیت شکننده می‌دانند و ۷۳ درصد نگرانند که نتوانند هزینه‌های سوخت خود را تأمین کنند. در انگلیس پیش‌بینی می‌شود قبوض انرژی خانگی در ژانویه ۲۵ درصد افزایش یابد. کاسپین کوزران، اقتصاددان بارینگا پیش‌بینی می‌کند: «انتظار یک زمستان سخت و دشوار را داریم. افزایش قابل‌توجهی در قبوض انرژی خواهیم دید اما انتظار نمی‌رود به سطح بحران اوکراین برسد.»



ارز برای دلالات، نه برای دارو!

بانک مرکزی ۲ میلیارد دلار برای بازار آزاد می‌فروشد، اما صنعت دارو از کمبود ارز و خطر تشدید کمبود دارو خبر می‌دهد.

۲ میلیارد دلار برای دلالات؛

دارو در صف ارز

بانک مرکزی ۲ میلیارد دلار از ذخایر ارزی خود را صرف جیب پولدارها و دلالات می‌کند اما برای صنعت دارو که در بحران به سر می‌برد، بهانه کمبود ارز می‌آورد

موضوع	اظهار نظر/ رقم اعلام شده
کاهش ارز ترجیحی دارو	حدود ۹۰۰ میلیون دلار از دی ۱۴۰۴ تا اردیبهشت ۱۴۰۵
سهمیه ارز ترجیحی	کاهش از ۳۰۵ به ۳ میلیارد دلار
ذخایر زیر یک ماه	حدود ۶۰۰ قلم دارو طبق برآورد سندیکا
تأخیر انتقال ارز	در مقطعی حدود ۶ ماه
وابستگی ارزی تولید داخل	حدود ۱ میلیارد دلار
وابستگی ارزی داروهای وارداتی	بیش از ۱۴۰۵ میلیارد دلار برای حدود ۲٪ واردات
مطالبات صنعت دارو	حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان
بدهی مراکز درمانی و بخش خصوصی	حدود ۱۴۰ هزار میلیارد تومان

همزمانی این دو اتفاق، پرسش مهمی درباره اولویت‌بندی سیاست ارزی کشور ایجاد می‌کند.

بهای تأخیر ارزی را چه کسی می‌پردازد؟ بیمار

پيامد اصلی اختلال در تأمین ارز دارو، روی ترازنامه بانک مرکزی با حساب شرکت‌های دارویی باقی نمی‌ماند؛ در نهایت بیمار هزینه آن را می‌پردازد. رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی چندی پیش اعلام کرده بود که ذخایر حدود ۶۰۰ قلم دارو کمتر از یک ماه است. وی همچنین هشدار داده بود که افزایش نرخ ارز مواد اولیه از حدود ۷۰ هزار تومان به ۱۵۰ هزار تومان، فشار قیمت دارو را افزایش داده و در نهایت این فشار می‌تواند به پرداخت از جیب بیماران منتقل شود. در مهرماه نیز سازمان غذا و دارو اعلام کرد که برای تأمین مواد اولیه ۷۰۰ داروی حیاتی پایش ویژه انجام می‌شود و مشکلات موجود فقط به تولید مربوط نیست، بلکه تأمین مواد اولیه، ارز، انتقال منابع مالی، حمل‌ونقل، ترخیص و لجستیک هم در آن نقش دارند. سخنگوی سازمان غذا و دارو نیز در گفت‌وگو با روزنامه دولتی ایران توضیح داده است که برای بیماری که نسخه در دست از داروخانه‌ای به داروخانه دیگر مراجعه می‌کند، کمبود دارو صرفاً یک عدد آماری نیست، بلکه به معنای جست‌وجوی فرسایشی برای پیدا کردن دارویی است که باید در دسترس باشد.

کمبود دارو یعنی تأخیر در درمان

تأخیر در تأمین ارز می‌تواند زنجیره‌ای از پیامدها را ایجاد کند؛ تأخیر ارز، تأخیر واردات ماده اولیه، کاهش تولید، کاهش موجودی داروخانه‌ها، افزایش قیمت، جست‌وجوی بیشتر بیماران و نهایتاً تأخیر در درمان. این مسسله نگران داروهای حیاتی، بیماران مبتلا به بیماری‌های خاص، بیماران سرطانی، مبتلایان به بیماری‌های مزمن و افرادی که مصرف منظم دارو برایشان ضروری است، اهمیت بیشتری دارد. گزارش‌های اخیر نیز از کمبود صدها قلم دارو حکایت دارد. حدود ۹۰ قلم از داروهای کمیاب‌شده در گروه داروهای ضروری با نجات‌بخش قرار دارند و حتی داروهای تولید داخل نیز به دلیل وابستگی به مواد اولیه وارداتی از اختلالات ارزی و زنجیره تأمین مصون نمانده‌اند.

۲۰۰ هزار میلیارد تومان طلب صنعت دارو

مشکل ارز در شرایطی به صنعت دارو فشار وارد می‌کند که این صنعت همزمان با بحران نقدینگی نیز مواجه است. مهدی پیرصالحی، رئیس سازمان غذا و دارو، میزان مطالبات صنعت دارو از دولت، مراکز درمانی و بخش

دارو بارها نسبت به کاهش سهم ارز ترجیحی، تأخیر در تخصیص و انتقال ارز و پیامدهای آن برای تولید و واردات دارو هشدار داده‌اند.

مرتضی خیرآبادی، نایب‌رئیس هیئت‌مدیره سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی، در خردادماه ۱۴۰۵ اعلام کرد که از دی‌ماه ۱۴۰۴ تا اردیبهشت ۱۴۰۵ حدود ۹۰۰ میلیون دلار از ارز ترجیحی دارو کاهش یافته است. به گفته او، سهمیه ارز ترجیحی سال قبل ۳۰۵ میلیارد دلار بود که بانک مرکزی تا پایان اسفند حدود ۳۰۰ میلیارد دلار آن را پرداخت کرده و مابقی پرداخت نشده است. وی همچنین گفت سهمیه سال ۱۴۰۵ نیز از ۳۰۵ میلیارد دلار به ۳ میلیارد دلار کاهش یافته است.

خیرآبادی تأکید کرد که بخشی از این کسری باید از طریق ارز تالار دوم جبران شود؛ در حالی که فاصله میان ارز ترجیحی ۲۸۵۰ تومانی و ارز حدود ۱۵۵ هزار تومانی، نیاز صنعت به نقدینگی و تسهیلات را به شدت افزایش می‌دهد.

هشدار سندیکای داروسازان درباره ذخایر کمتر از یک ماه

محمد عبده‌زاده، رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی نیز در همان نشست اعلام کرد که سه مشکل اصلی صنعت دارو عبارتند از نقدینگی، تأمین ارز و قیمت‌گذاری. او گفت ارز ترجیحی اختصاص یافته به دارو و تجهیزات پزشکی، در سطح ۳۰۵ میلیارد دلار، کفاف نیاز کشور را نمی‌دهد و سازمان غذا و دارو مجبور شده بخشی از ارز موجود را برای تسویه تعهدات سال قبل اختصاص دهد؛ به همین دلیل صنعت دارو ناچار شده بخشی از نیاز خود را با ارز تالار دوم تأمین کند.

عبده‌زاده همچنین یک هشدار مهم درباره موجودی دارو داد: طبق برآورد سندیکا، ذخایر حدود ۶۰۰ قلم دارو کمتر از یک ماه است. این رقم نشان می‌دهد مسئله ارز صرفاً یک اختلاف حساب میان دستگاه‌های دولتی و شرکت‌های دارویی نیست، بلکه می‌تواند مستقیماً به سطح ذخایر دارویی کشور و دسترسی بیماران منتقل شود.

مشکل فقط تأمین ارز نبود؛ انتقال ارز هم مختل شد

در سوی دیگر، مهدی پیرصالحی، رئیس سازمان غذا و دارو، در مردادماه ۱۴۰۵ توضیح داد که مشکل سال گذشته صرفاً نبود منابع ارزی نبوده، بلکه انتقال ارز به شرکت‌های خارجی با اختلال مواجه شده است. به گفته پیرصالحی، در یک بازه حدود شش‌ماهه انتقال ارز دارو و تجهیزات پزشکی یا متوقف شده یا با سرعت بسیار پایینی انجام شده است. این اختلال باعث شد اثر آن با تأخیر در فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵ در بازار دارو نمایان شود.

این نکته از آن جهت اهمیت دارد که حتی در مواردی که شرکت دارویی ریل مورد نیاز را تأمین کرده و ارز نیز خریداری شده بود، انتقال پول به تأمین‌کننده خارجی انجام نشده یا با تأخیر طولانی صورت گرفته است. سخنگوی سازمان غذا و دارو نیز در مهرماه تأکید کرد که تأخیر در تخصیص ارز یکی از عوامل مهم تشدید کمبودهای دارویی در ماه‌های اخیر بوده است.

وابستگی ارزی حتی در تولید داخل

مشکل ارز فقط به داروهای وارداتی محدود نیست. عباس کبریاپی‌زاده، رئیس فدراسیون اقتصاد سلامت، در دی‌ماه ۱۴۰۴ گفت بیش از ۹۸ درصد نیاز دارویی کشور از طریق تولید داخل تأمین می‌شود، اما همین تولید داخلی نیز برای مواد اولیه، مواد حواسط، مواد جانبی و ماشین‌آلات به ارز نیاز دارد.

بر اساس اظهارات او، صنایع تولید داخل حدود یک میلیارد دلار ارزبرری دارند، در حالی که تنها حدود ۲ درصد داروی مورد نیاز که مستقیماً وارد می‌شود، بیش از ۱۰۴ میلیارد دلار وابستگی ارزی دارد. کبریاپی‌زاده همچنین تصریح کرد که فرآیند تأمین و انتقال ارز شرکت‌ها برای واردات مواد اولیه به شکل مناسبی انجام نمی‌شود بنابراین کاهش با تأخیر در ارزی می‌تواند همزمان دو بخش را تحت فشار قرار دهد: واردات داروی ساخته‌شده و تولید داخلی وابسته به مواد اولیه وارداتی.

بانک مرکزی نیز از طولانی بودن فرآیند تأمین ارز خبر داده است موضوع تأخیر در تأمین ارز فقط از سوی صنعت دارو مطرح نشده است. معاون ارزی بانک مرکزی در شهریور ۱۴۰۵ اعلام کرد که از ابتدای سال بیش از ۱۷ میلیارد دلار ارز برای بخش‌های مختلف صنعت، کشاورزی و دارو و بهداشت تأمین شده است، اما فاصله زمانی میان تخصیص تا تأمین ارز پیش از این در مواردی به شش ماه یا بیش‌تر می‌رسید و اکنون به حداکثر حدود دو هفته کاهش یافته است.

کمبود ارز در کنار بحران نقدینگی

یکی دیگر از حلقه‌های مهم این زنجیره، بدهی‌های سنگین دولت، مراکز درمانی و بیمه‌ها به صنعت دارو است.

بر اساس گزارش منتشرشده از اظهارات رئیس سازمان غذا و دارو در مردادماه، مطالبات صنعت دارو به حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده بود که حدود ۱۴۰ هزار میلیارد تومان آن مربوط به بدهی مراکز درمانی و بخش خصوصی عنوان شده است. این وضعیت، همزمان با مشکلات ارزی، توان شرکت‌ها برای خرید مواد اولیه و تأمین موجودی را محدود می‌کند. (جدول) بر اساس اظهارات رسمی و صنفی، کمبودهای دارویی ماه‌های اخیر عمدتاً ناشی از کمبود ارز بوده است. سخنگوی سازمان غذا و دارو نیز صراحتاً تأخیر در تخصیص ارز را یکی از عوامل مهم تشدید کمبودهای ماه‌های اخیر دانسته است.



هشدار سازمان ملل درباره فشار تنگه هرمز بر توان مالی دولت‌ها

برنامه توسعه سازمان ملل متحد هشدار داد که با جنگ علیه ایران هزینه بارانه سوخت در جهان احتمالاً اسمال از یک تریلیون دلار فراتر می رود و دولت‌ها نمی توانند مثل گذشته از مردم در برابر گرانی انرژی حمایت کنند.

دولت‌ها در سراسر جهان دیگر ظرفیت کافی برای حمایت از مردم در برابر گرانی انرژی ندارند.. علت اصلی این وضعیت، جنگ علیه ایران و بحران های دیگری است که قیمت‌ها را بالا برده است. بر اساس مطالعه‌ای که سازمان ملل امروز جمعه منتشر کرده، هزینه حمایت از سوخت ممکن است اسمال از یک تریلیون دلار فراتر رود. یارانه سوخت، پولی است که دولت‌ها می پردازند تا قیمت بنزین، گازوئیل و سایر سوخت‌ها برای مصرف‌کننده پایین بماند. وقتی قیمت نفت در بازار جهانی بالا می‌رود، دولت‌ها با باید این تفاوت قیمت را از جیب خودشان بدهند یا اجازه دهند قیمت سوخت برای مردم بالا برود.

در شرایط فعلی، بسیاری از دولت‌ها راه اول را انتخاب کرده‌اند، اما هزینه آن به قدری سنگین شده که ادامه‌اش تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد. یک تریلیون دلار یارانه سوخت در جهان یعنی هزار میلیارد دلار این مبلغ تقریباً معادل ۹ سال کل صادرات نفت ایران است. یعنی اگر ایران با ظرفیت کامل و بدون هیچ محدودیتی نفت خود را صادر می‌کرد، باید ۹ سال تمام درآمد نفتی اش را کنار می گذاشت تا چنین مبلغی جمع شود.

این عدد به تنهایی نشان می‌دهد جنگ علیه ایران چه هزینه سنگینی را به جهان تحمیل کرده است.

در گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد که امروز جمعه منتشر شد، آمده که ادامه مذاکلات دولت‌ها برای کاهش اثر افزایش قیمت غذا و انرژی، به دلیل بالا رفتن هزینه‌های وام‌گیری و پدیده «ال نیو» که در مسیر تبدیل‌شدن به قوی‌ترین نمونه تاریخ است، روزبه‌روز دشوارتر می‌شود. این برنامه در گزارش خود که خبرگزاری بلومبرگ آن را منتشر کرده، هشدار داده که ماه‌های آینده برای دولت‌هایی که سقف قیمت، یارانه و معافیت مالیاتی اعمال کرده‌اند، بسیار حیاتی خواهد بود. قیمت نفت در حال نزدیک شدن به ۱۰۰ دلار در هر بشکه است و افزایش هزینه‌های وام‌گیری، فشار مضاعفی بر بودجه‌هایی وارد می‌کند که از قبل هم تحت فشار بودند.

«جورج گری مولینال، اقتصاددان ارشد برنامه توسعه سازمان ملل متحد، به بلومبرگ گفت: «اقل در هفته‌ها و ماه‌های آینده روشن نیست، زیرا هیچ راه واضحی برای خروج از بحران سه‌گانه نمی‌بینیم.» او به جنگ علیه ایران، هزینه‌های وام‌گیری و پدیده اقلیمی «ال نیئو» اشاره داشت.

دو برابر شدن تعداد کشورهای اجرکننده تدابیر امدادی در نیمه دوم سال
تحلیل برنامه توسعه سازمان ملل متحد که بر داده‌های بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و آژانس بین‌المللی انرژی استوار است، نشان می‌دهد تعداد کشورهایی که تدابیر امدادی مختلف را اجرا می‌کنند، بین آوریل و سپتامبر تقریباً دو برابر شده است. این افزایش هم‌زمان با ادامه پیامد های جنگ علیه ایران رخ داده است.

بر اساس این گزارش، اگر تدابیر حمایتی کشورها نبود، اسمال ۱۳۰ میلیون نفر دیگر زیر خط فقر ۶.۸۵ دلار در روز سقوط می‌کردند.

انتظار می‌رود فشارها بر دولت‌ها افزایش یابد و پیش‌بینی می‌شود این شوک‌های هم‌زمان در اوایل سال ۲۰۲۲ به اوج خود برسند. به‌ویژه با توجه به تأثیر مورد انتظار پدیده آل نینو در سال جاری، افزایش غیرعادی دمای اقیانوس ها می‌تواند به سیل و موج‌های خشکسالی منجر شود که ناامنی غذایی را تشدید می‌کند.

ناآرامی اجتماعی در دست‌کم ۱۰ کشور در پی گرانی انرژی
گزارش اشاره می‌کند که افزایش قیمت انرژی در سپتامبر (شهریورماه) به بروز اعتراضات و ناآرامی های اجتماعی در دست‌کم ده کشور انجामी از جمله سوریه، کواتمالا، فیلیپین، فرانسه و پرتغال انجامید. یک نظرسنجی تکمیلی که در سپتامبر انجام شد و ۲۶ دفتر برنامه توسعه سازمان ملل در سراسر جهان را در بر گرفت، نشان داد ۲۵ دفتر انتظار دارند بحران خاورمیانه در شش ماه آینده همچنان اولویت باقی بماند یا اهمیت آن بیشتر شود. همه دفاتر این نهاد نیز بر این باورند که «بدترین وضعیت هنوز نیامده است.»

شوگ نفتی این بار با گرانی وام‌گیری هم‌زمان شده است
این نخستین بار نیست که دولت‌ها خود را با صورتحساب سنگین حمایت از انرژی روبرو می‌بینند.

بحران انرژی پس از جنگ روسیه علیه اوکراین در سال ۲۰۲۲، حمایت صریح از سوخت‌های فسیلی در جهان را بر اساس برآوردهای صندوق بین‌المللی پول به حدود ۱.۳ تریلیون دلار رساند، پیش از آنکه با کاهش قیمت‌ها فروکش کند.

با این حال، بحران کنونی در شرایطی متفاوت رخ می‌دهد. این بار شوک نفتی با افزایش شدید هزینه‌های وام‌گیری هم‌زمان شده است. یازده اوراق قرضه آمریکا به بالاترین سطح خود در بیش از دو دهه گذشته رسیده و تأمین مالی حمایت‌ها از طریق وام‌گیری را بسیار گران‌تر از چهار سال پیش کرده است.

اقتصادهای در حال توسعه و واردکننده انرژی، سنگین‌ترین بار را به دوش می‌کشند. آنها هم‌زمان با افزایش صورتحساب واردات، صعود دلار که هزینه بازپرداخت بدهی های خارجی شان را بالا می‌برد و کاهش توانایی شان برای وام‌گیری از بازارها مواجه‌اند.

نشانه‌های بحران در زنجیره‌های تأمین نیز آغاز شده است. چین صادرات سوخت را متوقف کرده و کشورها ی آسیای ناچار شده‌اند پس از اختلال در محموله‌های خلیج فارس، منابع واردات نفت خود را دوباره سازمان دهی کنند.

تهدید پدیده «ال نیئو» نیز یُعد تازهای به بحران می‌افزاید. پیش‌بینی می‌شود این پدیده بر قیمت مواد غذایی فشار وارد کند و دولت‌ها را وادار سازد در شرایطی که منابع مالی شان کوچک شده، بین حمایت از سوخت و حمایت از کالاهای اساسی یکی را انتخاب کنند.

■ چهارشنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۵

■ چایخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲

■ شماره ۵۷۴

■ سال سوم



کاهش حاشیه اطمینان چالش تاب‌آوری شبکه برق ایران

تاب‌آوری شبکه برق ایران در سال‌های اخیر با چالش‌هایی فراتر از افزایش ظرفیت نیروگاهی روبه‌رو بوده است. تا پایان سال ۱۴۰۴، ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های کشور به ۹۹ هزار و ۳۷۱ مگاوات رسید، اما در زمان اوج مصرف تنها ۶۲ هزار و ۵۷۷ مگاوات توان تولید هم‌زمان در دسترس بود. در همین شرایط، بیشترین میزان تقاضای برق به ۷۷ هزار و ۴۹۷ مگاوات رسید و فاصله‌ای حدود ۱۴ هزار و ۹۲۰ مگاواتی میان تولید و مصرف ایجاد شد. بررسی وضعیت شبکه نشان می‌دهد محدودیت آمادگی نیروگاه‌ها، کاهش ذخیره عملیاتی و افزایش بارگذاری تجهیزات انتقال، توان واکنش شبکه در شرایط بحرانی را کاهش داده است. استمرار پایداری برق نیازمند توجه هم‌زمان به افزایش ظرفیت قابل‌انکا، بهبود بهره‌برداری و تقویت زیرساخت‌های شبکه است.

تاب‌آوری شبکه برق ایران در سال‌های اخیر تنها به میزان ظرفیت نصب‌شده نیروگاهی وابسته نبوده و بیش از هر چیز به میزان توان قابل‌انکا در شرایط واقعی بهره‌برداری مرتبط است. ظرفیت نامی نیروگاه‌های کشور تا پایان سال ۱۴۰۴ به حدود ۹۹ هزار و ۳۷۱ مگاوات رسیده، اما در زمان اوج مصرف، توان تولید هم‌زمان نیروگاه‌ها حدود ۶۲ هزار و ۵۷۷ مگاوات ثبت شده است. اختلاف ۳۶ هزار و ۷۹۴ مگاواتی میان ظرفیت نامی و تولید هم‌زمان نشان می‌دهد بخشی از ظرفیت موجود در شرایط بحرانی امکان ورود به مدار را ندارد. هم‌زمان، ثبت حداکثر تقاضای ۴۹۷ مگاواتی باعث شده فاصله میان توان تولید هم‌زمان و مصرف اوج به ۱۴ هزار و ۹۲۰ مگاوات برسد. این فاصله در کنار افزایش بارگذاری تجهیزات انتقال و فوق‌توزیع، ظرفیت واکنش شبکه در برابر اختلالات را کاهش داده است. به همین دلیل، ارزیابی تاب‌آوری صنعت برق تنها با بررسی ظرفیت اسمی نیروگاه‌ها امکان‌پذیر نیست و میزان آمادگی تولید، توان انتقال و ظرفیت باقی‌مانده شبکه برای عبور از شرایط اضطراری نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

ظرفیت نصب‌شده، معیار تاب‌آوری نیست

ظرفیت نامی نیروگاه‌های کشور تا پایان سال ۱۴۰۴ به حدود ۹۹ هزار و ۳۷۱ مگاوات رسیده است، اما در زمان اوج مصرف، توان تولید

هم‌زمان نیروگاه‌ها حدود ۶۲ هزار و ۵۷۷ مگاوات ثبت شده است.

اختلاف ۳۶ هزار و ۷۹۴ مگاواتی میان ظرفیت اسمی و توان تولید هم‌زمان نشان می‌دهد که تمام ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌ها در شرایط واقعی امکان بهره‌برداری هم‌زمان را ندارد. در همین بازه زمانی، حداکثر تقاضای برق کشور به ۷۷ هزار و ۴۹۷ مگاوات رسیده است. مقایسه این میزان مصرف با توان تولید هم‌زمان ۶۲ هزار و ۵۷۷ مگاواتی، فاصله‌ای معادل ۱۴ هزار و ۹۲۰ مگاوات را نشان می‌دهد؛ به عبارت دیگر، توان تولید هم‌زمان نیروگاه‌ها در زمان اوج مصرف حدود ۱۹.۳ درصد کمتر از میزان تقاضای ثبت‌شده بوده است.

وضعیت تولید برق ایران

این اختلاف نشان می‌دهد افزایش ظرفیت اسمی نیروگاه‌ها به تنهایی نمی‌تواند پایداری شبکه برق را تضمین کند. بخشی از ظرفیت موجود به دلیل انجام تعمیرات، محدودیت‌های فنی، کاهش آمادگی واحدهای تولید و همچنین محدودیت تأمین سوخت یا شرایط عملیاتی، در دسترس شبکه اوج مصرف در دسترس شبکه قرار نمی‌گیرد و همین مسئله باعث کاهش ذخیره عملیاتی سیستم می‌شود.

تاب‌آوری شبکه برق تنها به میزان توان تولید وابسته نیست، زیرا حتی در صورت وجود ظرفیت کافی برای تولید، محدودیت‌های بخش انتقال با افزایش میزان بارگذاری تجهیزات می‌تواند توان پاسخ‌گویی شبکه را در شرایط بحرانی کاهش دهد.

دلایل فاصله میان ظرفیت نصب‌شده و توان واقعی تولید

بخشی از ظرفیت موجود نیروگاه‌ها در زمان اوج مصرف به دلیل انجام تعمیرات، محدودیت‌های فنی، کاهش آمادگی واحدهای نیروگاهی، محدودیت تأمین سوخت یا شرایط عملیاتی، در دسترس شبکه قرار نمی‌گیرد و همین مسئله باعث کاهش ذخیره عملیاتی سیستم می‌شود. یکی از عوامل مؤثر در این زمینه، خروج واحدهای نیروگاهی برای تعمیرات دوره‌ای با اضطراری است. تعمیرات برای حفظ عملکرد پایدار نیروگاه‌ها ضروری است، اما اگر زمان بندی آن با دوره‌های اوج مصرف هم‌زمان شود، می‌تواند ظرفیت در دسترس شبکه را کاهش دهد. به همین دلیل، هماهنگی برنامه تعمیرات با پیش‌بینی مصرف برق و انتقال تعمیرات سنگین به دوره‌های کم‌مصرف، از اقداماتی است که می‌تواند اثر این محدودیت را کاهش دهد.

عامل دیگر، محدودیت‌های فنی و فرسودگی تجهیزات نیروگاهی است. برخی واحدها به دلیل کاهش راندمان، مشکلات تجهیزات

جانبی یا عمر بالای تجهیزات، نمی‌توانند با ظرفیت کامل وارد مدار شوند. این موضوع باعث می‌شود ظرفیت نامی نیروگاه‌ها با میزان تولید واقعی آنها فاصله داشته باشد. اجرای برنامه‌های نوسازی، تعمیرات پیشگیرانه و ارتقای سیستم‌های کنترلی می‌تواند آمادگی این واحدها را افزایش دهد.

کاهش آمادگی واحدهای نیروگاهی و افزایش خروج‌های اضطراری نیز از دیگر عوامل کاهش ظرفیت قابل‌انکای شبکه است. در چنین شرایطی، بخشی از نیروگاه‌های نصب‌شده به دلیل مشکلات عملیاتی در زمان نیاز قادر به تولید کامل نیستند. استفاده از سامانه‌های پایش وضعیت، تعمیرات پیش‌بینانه و بهبود فرآیندهای بهره‌برداری می‌تواند احتمال خروج ناگهانی واحدها را کاهش دهد.

همچنین محدودیت تأمین سوخت می‌تواند بر توان تولید نیروگاه‌ها اثرگذار باشد. وابستگی بخش قابل‌توجهی از نیروگاه‌های حرارتی به گاز طبیعی باعث می‌شود در دوره‌هایی که تأمین سوخت با محدودیت مواجه می‌شود، امکان کاهش تولید وجود داشته باشد. افزایش ذخیره سوخت نیروگاه‌ها، تقویت هماهنگی میان شبکه برق و گاز و تنوع بخشی به منابع تأمین انرژی، از راهکارهای کاهش این ریسک است. در مجموع، فاصله میان ظرفیت اسمی نیروگاه‌ها و توان واقعی تولید نشان می‌دهد که شاخص اصلی در ارزیابی امنیت برق میزان در شرایط بحرانی است.

کاهش ذخیره، توان واکنش را محدود می‌کند

یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها برای ارزیابی امنیت شبکه برق، حاشیه ذخیره تولید است. این شاخص نشان می‌دهد پس از تأمین نیاز مصرف‌کنندگان، چه میزان ظرفیت مازاد برای جبران خروج احتمالی تجهیزات یا افزایش ناگهانی تقاضا در شبکه باقی می‌ماند. برای حاشیه ذخیره تولید، مقدار ثابت و یکسان در سطح جهان وجود ندارد و میزان مورد نیاز آن به عواملی مانند ساختار تولید برق، میزان قابلیت اطمینان نیروگاه‌ها، نحوه

اتصال شبکه‌ها و شرایط بهره‌برداری بستگی دارد. با این حال، تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد حفظ ظرفیت مازاد قابل‌انکایکی از اصول مهم در برنامه‌ریزی امنیت تأمین برق محسوب می‌شود. برای نمونه، کره جنوبی در برنامه یازدهم جامع عرضه و تقاضای برق، حاشیه ظرفیت ۲۰ درصدی را تا سال ۲۰۲۸، ۲۱ درصدی را در فاصله سال‌های ۲۰۲۹ تا ۲۰۳۲ و ۲۲ درصدی را در دوره ۲۰۳۳ تا ۲۰۳۸ با عنوان مبنای برنامه‌ریزی در نظر گرفته است. این مقایسه به معنای مشابه بودن ساختار شبکه برق ایران و کره جنوبی نیست، اما نشان می‌دهد بسیاری از کشورها در برنامه‌ریزی صنعت برق، حفظ حاشیه اطمینان قابل‌انکا را در اولویت قرار می‌دهند و صرفاً افزایش ظرفیت اسمی را معیار امنیت تأمین برق نمی‌دانند.

در مقابل، در ایران فاصله ۱۴ هزار و ۹۲۰ مگاواتی میان تقاضای اوج مصرف و توان تولید هم‌زمان نشان می‌دهد شبکه در شرایط بحرانی از فضای مانور محدودی برخوردار است. در چنین شرایطی، خروج یک واحد بزرگ نیروگاهی یا افزایش پیش‌بینی نشده مصرف می‌تواند فشار بیشتری به سایر بخش‌های سیستم وارد کند و پایداری شبکه را با چالش مواجه سازد.

بارگذاری شبکه، حاشیه اطمینان را کاهش می‌دهد

کاهش حاشیه اطمینان شبکه تنها به بخش تولید محدود نمی‌شود و در بخش‌های انتقال و فوق‌توزیع نیز خود را نشان می‌دهد. افزایش میزان بارگذاری تجهیزات در ساعات اوج مصرف، فاصله شبکه با مرزهای فنی را کاهش می‌دهد و توان مدیریت شرایط اضطراری را محدود می‌کند.

بررسی وضعیت شبکه برق تهران نشان می‌دهد از مجموع ۱۸۰ پست فوق‌توزیع این شهر، بیش از ۴۰ پست با ظرفیت اشغال شده بالاتر از ۸۰ درصد فعالیت کرده‌اند و میزان بارگذاری برخی از این پست‌ها از ۹۰ درصد نیز عبور کرده است. همچنین از میان ۳۹ پست انتقال برق منطقه‌ای تهران، ۲۴ پست در اوج بار سال ۱۳۹۵ بارگذاری حداقل ۶۰ درصدی داشته‌اند و ۱۱ پست نیز بارگذاری بیش از ۷۵ درصد را تجربه کرده‌اند. در طراحی شبکه‌های برق براساس «معیار ۰.۱N»، بخشی از ظرفیت تجهیزات باید برای جبران خروج احتمالی یک تجهیز اصلی در دسترس باقی بماند. بر همین اساس، در برخی استانداردهای برنامه‌ریزی، بارگذاری عادی تجهیزات مولاری در محدوده ۶۰ تا ۸۰ درصد در نظر گرفته می‌شود تا شبکه توان تحمل شرایط اضطراری را داشته باشد. بنابراین، افزایش بارگذاری تجهیزات به محدوده ۸۰ تا ۹۰ درصد می‌تواند فضای عملیاتی شبکه را کاهش دهد و امکان واکنش مناسب در شرایط بحرانی را محدود کند.

تاب‌آوری برق نیازمند ظرفیت قابل‌انکاست

شاخص‌های کمی شبکه برق ایران نشان می‌دهد مسئله اصلی فقط به میزان ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌ها مربوط نیست و کاهش فاصله میان وضعیت عادی شبکه و شرایط بحرانی، پایداری سیستم برق را با چالش مواجه کرده است. اختلاف ۳۶ هزار و ۷۹۴ مگاواتی میان ظرفیت نامی و تولید هم‌زمان، فاصله ۱۴ هزار و ۹۲۰ مگاواتی میان تولید و تقاضای اوج مصرف و همچنین بارگذاری بالای برخی تجهیزات شبکه، همگی از کاهش حاشیه اطمینان عملیاتی حکایت دارند.

بر این اساس، ارزیابی امنیت تأمین برق کشور باید به‌صورت هم‌زمان بر ظرفیت قابل‌انکا، میزان آمادگی نیروگاه‌ها، کاهش خروج‌های اضطراری، تقویت زیرساخت‌های انتقال و مدیریت مصرف در ساعات اوج بار متمرکز شود. افزایش ظرفیت اسمی نیروگاه‌ها بدون بهبود توان بهره‌برداری واقعی، تصویر دقیقی از قابلیت شبکه ارائه نمی‌کند و معیار اصلی پایداری، میزان برقی است که شبکه می‌تواند در شرایط بحرانی در اختیار مصرف‌کنندگان و سیستم قرار دهد.

تاب‌آوری شبکه برق تنها به میزان توان تولید وابسته نیست، زیرا حتی در صورت وجود ظرفیت کافی برای تولید، محدودیت‌های بخش انتقال یا افزایش میزان بارگذاری تجهیزات می‌تواند توان پاسخ‌گویی شبکه را در شرایط بحرانی کاهش دهد

پیامد سوم، گسترش فعالیت‌های غیررسمی است. هرچه فعالیت رسمی از نظر هزینه و سهولت با فعالیت غیررسمی فاصله بیشتری داشته باشد، انگیزه خروج از چارچوب رسمی افزایش می‌یابد. بانک جهانی نیز بر ارتباط پیچیدگی مقررات شروع کسب‌وکار با سطوح بالاتر غیررسمی شدن فعالیت‌ها و فساد تأکید کرده است. بنابراین، مقررات اضافی می‌تواند علاوه بر افزایش هزینه بنگاه‌ها، شفافیت اقتصادی، پایه مالیاتی و رقابت سالم را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

تجربه جهانی: کاهش مستمر بار مقرراتی

مسئله تورم فزاینده فقط مختص ایران نیست. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که سازه‌های مقررات و کاهش بار اداری، یک فرآیند مستمر حکمرانی است. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) نیز در گزارش ۲۰۲۶ خود بر همین مسئله تأکید کرده است. بر اساس این گزارش، انباشت مقررات در بسیاری از کشورها موجب افزایش پیچیدگی الزامات، فرآیندهای انطباق و تکالیف اداری شده و می‌تواند پویایی اقتصادی و بهره‌وری را کاهش دهد. در همین گزارش، ۷۲ درصد دولت‌های مورد بررسی و سازمان‌های بخش خصوصی در ۹۰ درصد کشورها، سطح مقررات و بروکراسی را بیش از حد ارزیابی کرده‌اند.

سازمان OECD می‌گوید برنامه‌های کاهش بار اداری از دهه ۱۹۸۰ در کشورهای مختلف دنبال شده و از سال ۲۰۲۲ تاکنون، ۹۱ درصد دولت‌های مورد بررسی اقداماتی برای کاهش بار مقرراتی آغاز کرده‌اند. این اقدامات دوم آنکه تغییر شرایط رقابت به زیان بنگاه‌های کوچک‌تر است. شرکت‌های بزرگ معمولاً واحدهای حقوقی و مالی دارند و می‌توانند هزینه تغییرات مقرراتی را مدیریت کنند اما برای بنگاه‌های کوچک، همان الزاماتی می‌تواند بخش قابل‌توجهی از منابع مالی و مدیریتی را مصرف کند. سازمان OECD نیز تأکید کرده که بنگاه‌های کوچک‌تر به دلیل ظرفیت کمتر برای مدیریت پیچیدگی مقرراتی، معمولاً با هزینه‌های بیشتری مواجه‌اند.



از این تعداد، ۱۹ قانون و ۱۴۵ حکم نامعتبر هستند. در سه حوزه دیگر، یعنی بیمه، کار و تأمین اجتماعی نیز که به شکل‌های مختلف با حوزه تولید و خدمات کشور مرتبط هستند، حجم قابل‌توجهی از مقررات شناسایی شده است. در حوزه بیمه، از مجموع ۲۹۱ قانون و ۱۶۹۴ حکم قانونی، به ترتیب ۲۲۳ قانون و ۲۴۲ حکم نامعتبر هستند. در حوزه کار، ۱۸۶ قانون و ۱۴۲ حکم شناسایی شده که از این میان ۷۹ قانون و ۳۵۴ حکم نامعتبر است. همچنین در حوزه تأمین اجتماعی، از مجموع ۲۹۸ قانون و ۱۱۱۰ حکم و ۱۹۶ قانون و ۴۹۳ حکم در زمره مقررات نامعتبر قرار دارند.

سه پیامد مهم تورم قوانین

این نکته را باید متذکر شد که هیچ اقتصادی بدون قانون و مقررات نمی‌تواند به درستی عمل کند و حوزه‌هایی مانند حقوق مالکیت، رقابت، محیط زیست و ایمنی به چارچوب قانونی نیاز دارند. بنابراین، مسئله «قانون بد» یا «هرچه قانون کمتر، بهتر» نیست، بلکه مشکل زمانی ایجاد می‌شود که مقررات جدید بدون بازبینی و حذف قواعد قبلی انباشته شوند و مجموعه‌ای از قوانین دست‌و‌پاگیر ایجاد شود. در واقع در اقتصاد کارآمد، قانون باید قواعد روش و قابل پیش‌بینی ایجاد کند اما پیچیدگی و تغییر

است. این فرآیند باید همگام با تغییرات اقتصادی و فناوری ادامه یابد تا بار اداری کاهش و محیط کسب‌وکار پیش‌بینی‌پذیرتر شود.

۶۴۰۰ قانون و ۴۱۰ هزار حکم قانونی در حوزه تولید!

بررسی وضعیت قوانین و احکام قانونی در ۹ حوزه ۴۱۰ هزار حکم قانونی شناسایی شده که به‌ترتیب ۲۹ و ۳۸ درصد آن‌ها نامعتبر تشخیص داده شده‌اند. اخیراً وزیر اقتصاد با انتقاد از حجم بالای قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های دولتی، از تبدیل شدن دولت و حاکمیت به کارخانه تولید مقررات انتقاد کرده است. به گفته‌وی، صدور مداوم مقررات جدید، در مواردی حتی با هدف تسهیل امور، به دلیل تعارض و تراجم با قوانین موجود موجب افزایش سردرگمی تولیدکنندگان و تجار و ایجاد مانع در فعالیت بخش خصوصی شده است.

مدنی زاده تأکید کرده که تنقیح قوانین، رفع تعارض مقررات و ارتقای کیفیت قوانین جدید برای بهبود فضای کسب‌وکار ضروری است. گزارش حاضر به بررسی نتایج پژوهش‌های طرح تنقیح قوانین و مقررات کشور که از سوی معاونت قوانین و مجلس شورای اسلامی انجام شده پرداخته است. طبق نتایج طرح مذکور، در ۹ حوزه صنعت، کشاورزی و منابع طبیعی، معدن، تجارت، میراث فرهنگی و گردشگری، حمل‌ونقل، بیمه، کار و تجارت، میراث فرهنگی و گردشگری، حمل‌ونقل، بیمه، کار و تأمین اجتماعی که مستقیماً و غیرمستقیماً با حوزه تولید و بخش خدمات مرتبط هستند، نشان می‌دهد حدود ۳۸ درصد از قوانین و ۲۹ درصد از احکام قانونی شناسایی شده در این حوزه، نامعتبر هستند.

لازم به توضیح است که حذف قوانین نامعتبر در سال‌های اخیر در مجلس شورای اسلامی پیگیری و بافت‌وبرگشت‌های بین قوه مقننه و شورای نگهبان، بخش عمده قوانین نامعتبر حذف شده است. با این حال، تعداد بالای قوانین و احکام معتبر و همچنین تجارب جهانی نشان می‌دهد ساده‌سازی مقررات به معای حذف صرف قانون نیست، بلکه نیازمند بازبینی مستمر، حذف مقررات زائد و اصلاح قواعد ناکارآمد